

مشکلات تولید محصولات  
کشاورزی (قسمت پنجم)



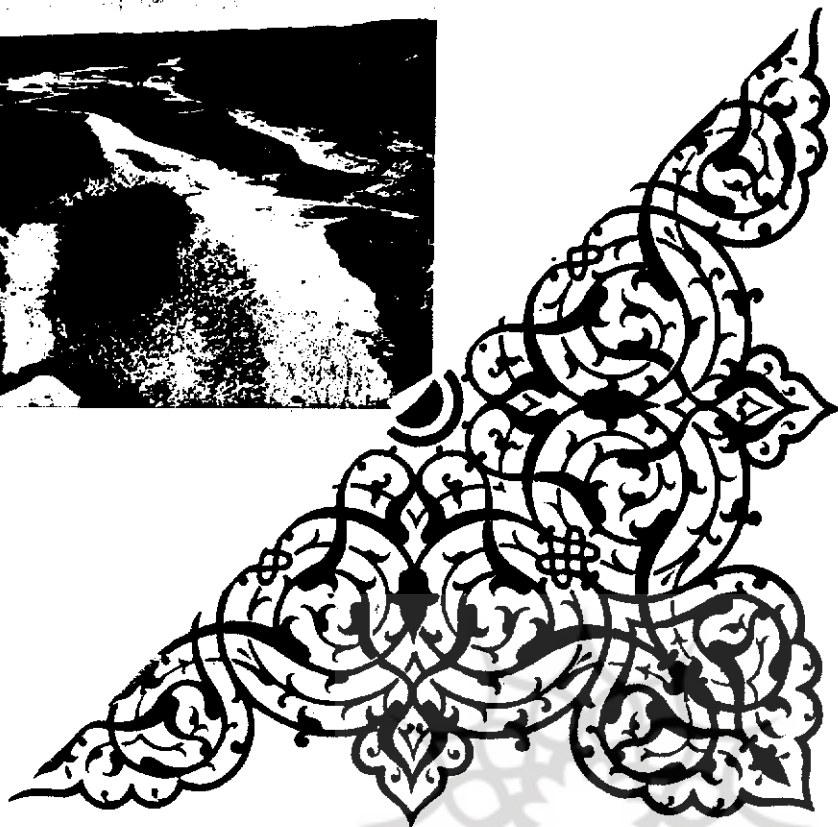
\* جهاد سازندگی بعد از پیروزی انقلاب موفق شده است تا با اجرای طرحهای کوچک آبیاری ۴ میلیارد مترمکعب آب را در سطح کشور مهار کند که این مقدار برابر است با مجموع ظرفیت سدهای عظیمی مانند «دز» و «منجیل».

\* اجرای پروژه‌های آبیاری و سدسازی در رژیم قبل تنها در جهت گسترش صنایع مونتاز و تامین آب و برق این کارخانجات، رواج فرهنگ مصرفی و شهرنشینی، مهاجرت روستائیان به شهرها بعنوان نیروی کار ارزان کارخانجات مونتاز و خالی شدن بسیاری از روستاها از سکنه بوده است.

در شماره قبل گذری داشتیم بر وضعیت موجود آب کشور و مشکلات طبیعی که در راه استفاده از این منابع وجود دارد، در این قسمت ابتدا به بررسی سیاستهای رژیم گذشته در اجرای طرحهای آبی پرداخته و سپس اشاره‌ای داریم به مشکلات مختلف اقتصادی و اجتماعی در زمینه آب و همچنین راه‌حلهای موجود برای برطرف کردن این مشکلات، بدیهی است که در این شماره می‌بایست بخشی هم به بررسی اقدامات انجام شده در این زمینه بعد از انقلاب و همچنین شرح انواع مختلف فعالیتهای آبی در نقاط مختلف کشور اختصاص می‌یافت ولی از طرفی حوصله بحث مجال این را به ما نداده و از سوی دیگر در شماره‌های قبل در این رابطه مطالبی ذکر شده بود و اشاره به این نکات چیزی جز تکرار مکررات نمی‌نمود.

سیاستهای طراحی و برنامه ریزی آب در رژیم گذشته:

بدلیل اهمیت تولیدات کشاورزی در حیات و بقای اقتصاد یک کشور، تلاش استکبار جهانی همواره بر این بوده تا با در هم پاشیدن اساس کشاورزی در کشورهای جهان سوم، از وابستگی در حوزه محصولات کشاورزی بعنوان اهرمی جهت حفظ وابستگی سیاسی و اقتصادی این ممالک به خود استفاده نماید، سیاستهای عمرانی در رژیم گذشته نیز تماما در جهت همین خط مشی بوده‌اند. بدنبال اتخاذ این سیاستهای اقتصادی و بدلیل رشد



صنایع مونتاز و تمرکز جمعیت در شهرها ضروری بود تا کوششهایی در جهت هماهنگی تاسیسات آبیاری با این دگر گونیا صورت گیرد. در این رابطه در سال ۱۳۱۵ اداره آبیاری و سد سازی تاسیس گردید که فعالیتهای آن در اولین سال غالباً ایجاد سدهای محلی بود. در اردیبهشت ۱۳۲۲ قانون تاسیس بنگاه مستقل آبیاری بتصویب رسید و این بنگاه از سال ۱۳۲۴ با سرمایه ۴۵ میلیون ریال اعتبار شروع بکار کرد که از جمله فعالیتهای آن ایجاد چند سد جهت تامین آب مصرفی شهرها بود. در سال ۱۳۴۳ ضرورت توسعه استفاده از آبهای سطحی وزیر زمینی بمنظور اجرای برنامههای تامین آب مصرفی شهرها و صنایع تاسیس وزارت آب و برق گردید و کلیه تشکیلات بنگاه مستقل آبیاری ضمیمه این وزارتخانه شد.

پروژههای آبیاری و سد سازی انجام شده توسط این سازمانها علیرغم ظاهر فریبنده و پرسروصدایشان تنها حلقه‌های بودند از زنجیری که به پای استقلال اقتصادی کشور بسته میشد. با دقت در نتایج این پروژهها می بینیم که اجرای آنها تنها در خدمت گسترش صنایع مونتاز و تامین آب و برق این کارخانجات، رواج فرهنگ مصرفی و گسترش زندگی شهرنشینی، مهاجرت روستائیان به شهرها بعنوان نیروی کار ارزان ایستادن کارخانجات مونتاز و خالی شدن بسیاری از روستاها از سکنه بوده است.

اساساً در ایران بدلیل کم آبی، اجرای هر پروژه آبیاری با ارزش و غیر قابل انکار است ولی مسئله اصلی در این رابطه روشهای استفاده و بهره برداری است که از این پروژهها صورت می گیرد. سیاستهای کشاورزی و آبیاری در گذشته نه تنها به کشاورزی و روستاها اهمیت نمی داد

بلکه همواره تخریب آنها را مدنظر داشت. اصلاحات ارضی شاهانه نیز با آن همه بوق و کرنا بدلیل زیرساخت وابسته‌ای که داشت بدون اینکه تحولی در کشاورزی سنتی ایران بوجود آورد از راندمان محصولات مانیز کاست. بعد از اصلاحات ارضی و حذف زمینداران بزرگ و قسمت کردن برخی زمینها بین کشاورزان، نظام اقتصادی موجود در روستاهای ایران به هم ریخت. تا قبل از اجرای این طرح امر آبیاری که مهمترین مسئله کشاورزی بود و انجام آن از دست کشاورزان خرده‌پا برنمی آمد بوسیله اربابان و زمینداران بزرگ صورت می گرفت. فراهم نمودن امکانات کشاورزی از قبیل کود، بذر و حما یتهای مالی را نیز اربابان بهمهده داشتند، حذف این عنصر از سیکل اقتصادی روستا باید بدنبال جایگزینی عنصری مستکملتر و حمایتیهای جامعتر صورت گیرد، ولی

در اصلاحات ارضی چون هدف رشد و تکامل کشاورزی نبود این جایگزینی صورت نگرفت. با حذف افراد و نهادهایی که کار آبیاری را در گذشته بهمهده داشتند، سیستمهای آبیاری متروک ماند، قناتها لایروبی نشد، به شبکههای آبیاری رسیدگی نگردید و... در نتیجه به مرور زمان این سیستمها فرسوده شده و از بین رفتند.

از اجرای پروژههای سدسازی بزرگ نیز علاوه بر استفاده تبلیغاتی عمدتاً اهدافی دنبال میشد که توجه به آبیاری کشاورزی جای مهمی در آنها نداشت. احداث شبکههای فرعی در کنار سدها (کانالهای ۳ و ۴) که می بایست آب را به کشتزارها می رساندند بطور جدی دنبال نشد و این قسمت از طرحها هنوز هم در بسیاری از سدهای بزرگ نیمه تمام مانده است. هدف از احداث این سدها تامین نیروی برق مصرفی کارخانجات مونتاز و تامین آب شرب شهرها و صنایع اطراف آن بود. سیاستهایی چون طرح ایجاد تهران بزرگ و شهرهای به ظاهر صنعتی و پیشرفته و همچنین تبلیغ الگوهای مصرف به تناسب این سیاستها ضربات جبران ناپذیری بر امکانات طبیعی و استعدادهای تولیدی موجود در اطراف این شهرها زد. بعنوان مثال مصرف آب هر شهروند تهرانی از ۳/۳۴ متر مکعب در سال ۱۳۳۵ به ۶۶ متر مکعب در سال

۱۳۴۹ رسید یعنی ظرف ۱۵ سال این مقدار ۲۰ برابر شد. کاملاً واضح است علاوه بر ازدیاد جمعیت تهران تغییر الگوهای مصرف نیز نقش زیادی در افزایش آب مصرفی داشته و باعث ایجاد و گسترش مصارف لوکس و غیر ضروری گردیده‌اند. سد کرج و لتیان با ظرفیتهای ۲۵۰ و ۹۵ میلیون متر مکعب اساساً برای تامین آب شرب تهران تاسیس شد و در این راه بهره‌برداری از آب سد لار و حفر چاههای عمیق نیز آبرسانی به تهران را تسهیل می کرد. طی برنامه‌های پنجساله چهارم و

پنجم یعنی در مدت ده سال (از ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۶) رژیم فاسد شاهنشاهی با استفاده از امکانات فروش نفت و بستن قراردادهایی با پیمانکاران خارجی توانست با احداث سدهای بزرگ در نقاط مختلف کشور ۱۴ میلیارد متر مکعب به حجم آبهای کنترل شده اضافه کند ولی در زمینه ایجاد شبکههای آبیاری

موفقیتهای بدست نیامد و از حدود یک میلیون و چهارصد هزار هکتار شبکههای اصلی فقط چیزی در حدود ۴۰۰ هزار هکتار تحقق یافت و حتی در حوزه سد دز، رژیم باراندن کشاورزان محلی و جایگزینی آنها با سرمایه‌داران آمریکایی موجبات کاهش تولیدات را فراهم آورد. بطور کلی در رابطه با سیاستهای اجرائی طرحهای آبیاری و ع

رعایت اولسویتها و چگونگی بهره‌گیری و استفاده از سدهای ساخته شده و عملکرد رژیم گذشته می‌توان نکات زیر را ذکر کرد.

الف: توجه و تاکید به اجرای طرحهای بزرگ و اتکاء زیاد به خدمات مهندسين و پیمانکاران خارجی و سپردن کامل کار مطالعه، طراحی، اجرا و حتی برنامه‌ریزی طرحهای آب مملکت بدست این مشاورین و در نتیجه فراهم نشدن زمینه بهره‌گیری کامل و صحیح از نیروها و استعدادهای داخلی.

ب: غفلت از آندسته طرحهای کوچک و مفیدی که می‌توانستند ضمن برطرف نمودن تنگنایهای آبی روستاها در کوتاه مدت بعنوان ابزار مفیدی برای ارتقاء دانش و تجربه فنی مهندسان و دستگاههای اجرایی مملکت بکار آیند.

ج: عدم توجه به روشهای سنتی و تجارب طولانی کشاورزان ایرانی و سهم آنان در امر مهار و استفاده از آب.

د: توجه به ساختمان و نمای خود سد و استفاده از آن بعنوان یک ابزار تسلیقاتی و بی‌توجهی به ساختمان و اتمام شبکه‌های آبیاری.

ه: عدم توجه به اهمیت آموزش آب در برنامه‌های آموزش عالی و دبیرستانها و مدارس حرفه‌ای کشور و عدم بهره‌گیری کافی و مؤثر از امکانات طرحهای بزرگ اجرا شده جهت تربیت پرسنل ایرانی و نیل به خود کفائی فنی در این زمینه.

#### کیفیت اجرای سیاستهای کنونی آب

همانطور که اشاره شد بدلیل کم آبی شدید در این سرزمین، نفس اجرای هر پروژه آبیاری در ایران مثبت است ولی اگر بخواهیم تنها با این دید در ارزیابی پروژه‌ها اکتفا کنیم، قاعدتاً به تمام طرحهای آبیاری انجام شده در رژیم گذشته نظر مثبت خواهیم داشت، در صورتیکه ما اقدامات رژیم گذشته را نقد کرده و آنها را در جهت ایجاد وابستگی دانستیم، بنابراین در ارزیابی یک پروژه باید به اهداف واقعی و پی‌آمدهای آن دقت نمود و در حال حاضر این معیار می‌تواند میزانی برای سنجش برنامه‌های آبیاری باشد.

هدف نهائی از کلیه برنامه‌ریزیهای آب استفاده از تمامی منابع موجود در سطح کشور می‌باشد که چنانچه اشاره شد بدو دسته کلی آبهای زیرزمینی و سطحی تقسیم میشوند:

در حوزه استخراج و بهره‌برداری از منابع آب زیرزمینی، بدلیل پیچیدگیهای کمتر و سابقه و تجربه بیشتر متخصصان ایرانی ما با مشکل چندانی مواجه نیستیم و در این زمینه می‌توانیم بدون اتکاء به خارجیها در حد نیاز و ضرورتها دست به عمل بزنیم. آمارهای ارائه شده در شماره قبل نیز مؤید استفاده از این منابع با راندمان بالا هستند.

طرحهای احداث سدهای مخزنی بزرگ اساساً توسط مهندسين و شرکتهای خارجی انجام می‌گرفت و کارشناسان ایرانی حداکثر در مرحله اجرا بکار گرفته شده و یا انجام کارهای اداری و مالی به آنها سپرده می‌شد.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی اغلب پیمانکاران خارجی با مشاهده از بین رفتن زمینه تحصیل سوده‌های کلان و همچنین پیروی از سیاست دولتهای استعماری غرب و محاصره اقتصادی کارگاههای سدسازی را ترک نمودند، دستگاههای اجرایی باقیمانده از قبل هم بدلیل اتکاء مطلق به خدمات پیمانکاران خارجی فاقد تجربه و امکانات لازم برای ادامه عملیات اجرایی طرحهای سدسازی بودند و در مجموع وضعی پیش آمد که در این مدت جز در مورد تکمیل سدمیناب اقدام مؤثری انجام نگرفت و کارگاههای سدسازی مانند جیرفت و پیشین با وجود آماده بودن قسمتی از وسائل و تجهیزات کماکان غیرفعال باقی ماندند.

این شواهد حاکی از آن است که ما در زمینه اجرای پروژه‌های سدهای مخزنی بزرگ (طرحهای بلندمدت) خود کفانیستیم و نه تنها اجرای پروژه‌های بزرگ در حال حاضر خارج از محدوده تخصصهای ماست، بلکه کار حفاظت و لایروبی این پروژه‌ها نیز امری است که ما در آن ضعیف و بناچار وابسته‌ایم.

از سوی دیگر با طرح شعار کشاورزی بعنوان محور توسعه اقتصادی و با شناخت اینکه عمده‌ترین مانع در راه رشد کشاورزی کمبود آب است، ما احتیاج به راهبانی داریم که در کمترین زمان ممکن منابع قابل استفاده آب را افزایش دهند و همه این محدودیتها ما را به اجرای پروژه‌های کوچک آبیاری بعنوان راه‌حلهای زود بازده و مرحله‌ای هدایت می‌کنند.

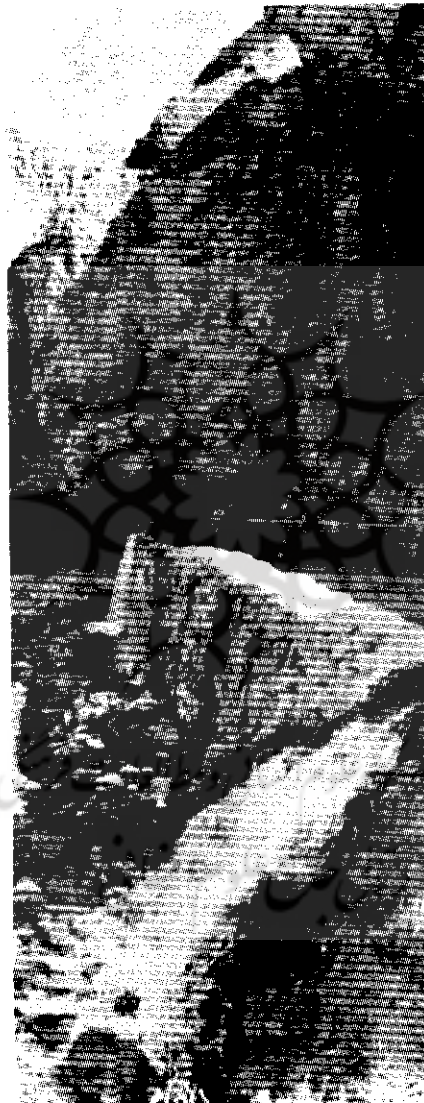
در حال حاضر ما قادریم تمامی مراحل شناسائی، طراحی و اجرای پروژه‌های کوچک از قبیل سد و بندهای خاکی و انحرافی را با تخصصها و قابلیت‌های موجود در کشورمان انجام دهیم و این طرحها از ویژگیهای زیر برخوردارند:

- ایجاد وابستگی نمی‌کنند.

- با انجام آنها می‌توان با هزینه‌های اندک در مدت زمان بسیار کوتاه حجم آبهای مهار شده را افزایش داد.

- بدلیل رسوب گذاری فراوان رودخانه‌های ما این طرحها می‌توانند جلوی فرسایش خاک را گرفته و کار حفاظت و نگهداری آنها نیز بسیار ساده است.

- در اجرای این طرحها استعدادها و قابلیت‌های تکنیکی متخصصین ما افزایش یافته و با آموزش این قابلیت‌ها در مراکز آموزشی می‌توانیم از لحاظ نیروهای اجرایی پروژه‌های



ولی مسئله اساسی ما در رابطه با مهار و استفاده از آبهای سطحی است و با درک همین مطلب کشورهای امپریالیستی از انتقال تکنولوژی پیشرفته مهار آبهای سطحی به ایرانیان خودداری می‌کردند و بطور مشخص راه کسب این تخصصها در دانشگاههای ما بسته بود و مهندسين راه و ساختمان نیز در این مورد کمتر آموزش دیده و اکثراً به کارهایی چون آپارتمان سازی و غیره روی می‌آوردند.

بزرگ بحد خود کفائی برسیم.

- باتوجه به محدودیتهای مالی دولت و تأکیدی که بر توزیع هرچه وسیعتر امکانات مالی و سرمایه‌های موجود بین اقشار مختلف مردم وجود دارد، طرحهای کوچک آبیاری با هزینه کم و در سطح وسیع ما را به این هدف نزدیکتر می‌سازد.

با اجرای پروژه‌های کوچک در سطح وسیع،

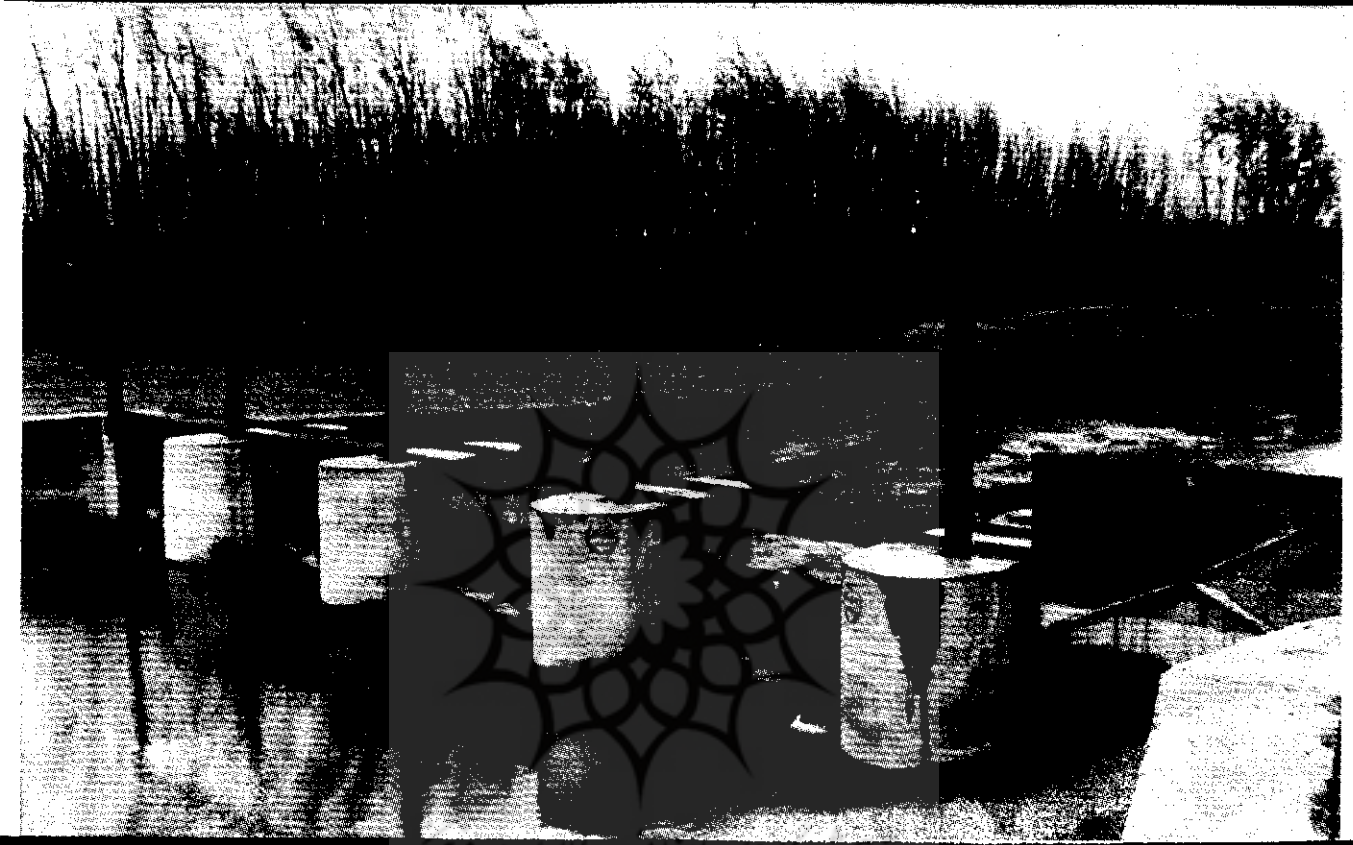
راه استفاده از منابع آب کشور وجود دارد می‌توان از دو دیدگاه بررسی نمود اول، مشکلات طبیعی که در شماره قبل به آن اشاره نمودیم و دوم مشکلات اقتصادی و اجتماعی که این مقوله خود به قسمتهای مختلفی تقسیم میشود که در زیر بطور مختصر شرح داده میشود:

#### الف: مشکلات تشکیلاتی

سالاری حاکم بر ادارات دولتی دست‌اندرکار آب کشاورزی است که قابلیت کارآئی محدود دستگاههای اجرایی را با زهم کمتر می‌نماید.

#### ب: مشکلات اعتباری و مالی

هزینه‌های لازم جهت ایجاد تأسیسات آبی، احداث کانالهای آبرسانی، حفرچاه، خرید موتور و لایروبی قنوات بسیار بالا بوده و در مقایسه با درآمد حاصل از کشت و کار در



علاوه بر امتیازات فوق در نهایت ما می‌توانیم درحد همان سدهای بزرگ آب ذخیره کنیم بعنوان مثال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با اجرای طرحهای کوچک آبیاری بیش از ۴ میلیارد مترمکعب آب بوسیله جهاد سازندگی مهار شده که این مقدار برابر است با مجموع ظرفیت سد دز و منجیل.

البته همه اینها به آن معنی نیست که ما باید طرحهای بزرگ آبیاری را به فراموشی بسپاریم، حل نهائی مشکل آب کشاورزی در گرو انجام پروژه‌های بزرگ است و کلاً ما برای مهار آب رودخانه‌های بزرگ ناچاریم به پروژه‌های بزرگ رو آوریم و انجام این طرحها علاوه بر کنترل میلیاردها مترمکعب آب، انرژی الکتریکی فراوانی را که هم ارزانتر است و هم از لحاظ تخصصی ساده‌تر از نیروگاههای اتمی و حرارتی در اختیار ما قرار می‌دهد. بررسی مشکلات در بهره‌برداری از منابع آب

بطور کلی مشکلات و تنگنانهایی را که در

ساخت تشکیلاتی نامناسب سازمانها و ارگانهایی که بنحوی با مسئله آب در ارتباط هستند سبب گردیده تا بی‌توجهی و دوباره کاریهایی در برنامه‌های بهره‌وری منابع آب و خاک بعمل آید، بعنوان مثال در حال حاضر سازمان برنامه، وزارت نیرو، وزارت کشاورزی، جهاد سازندگی، وزارت مسکن، وزارت اقتصاد و هیئتهای واگذاری زمین با آب در ارتباط بوده و حوزه فعالیت و محدوده کار این ارگانها بطور کلی مشخص نیست. نتیجتاً در قسمتهایی حتی چندین واحد دخالت می‌کنند و در قسمتهای دیگر مسئول مشخص وجود ندارد، امور مربوط به آب بنحوی است که کشاورزان و بخشهای کشاورزی نمی‌دانند که اصولاً چه سازمانی مسئول ایجاد بند و سد خاکی و تأسیسات انتقال آب برای کشاورزی است و یا طرحهای کوچک تأمین آب را چه ارگانی باید انجام دهد.

مسئله دیگر در این رابطه سیستم خاص اداری، مقررات مالی و در مجموع دیوان

اراضی فوق‌العاده زیاد است و پرداخت تمامی آن از عهده کشاورزان و همچنین تأمین اعتبارات از سوی دولت دشوار می‌باشد بعنوان مثال اعتبار احداث شبکه‌های آبرسانی درجه ۳ و ۴ برای حدوداً ۲۴۰ هکتار از اراضی زیر سدها بیش از ۲۲۰ میلیارد ریال برآورد شده است.

#### ج: مشکلات فرهنگی و سنتی

در این رابطه نیز مشکلات بسیاری وجود دارد از جمله نامنظم بودن حدود و مساحت زمینهای زارعین که به صورتهای غیرهندسی بوده و آبرسانی به آنها را مشکل می‌سازد. همچنین یکپارچه نبودن نظام تولید در زمینهای مختلف و یکسان نبودن محصولات در نقاط نزدیک به هم که ایجاد مشکلات عدیده‌ای در امر پیاده نمودن طرحهای نوین آب، آبیاری و مکانیزاسیون کشاورزی می‌نماید.

مشکلات دیگر در این رابطه مقاومت ناآگاهانه کشاورزان درمقابل طرحهای نوین

آب... (۲)

آبیاری است که عمدتاً از عدم اعتماد آنان نسبت به توصیه ارگانهای دولتی و بی‌ثباتی مالی آنها ناشی میشود.

#### د: مشکلات قانونی و حفاظتی

وضعیت مالکیت منابع آب بطور کلی اعم از حقیقی یا حقوقی، خصوصی یا دولتی در مملکت مشخص نبوده و در مجموع می‌توان گفت هنوز قانون جامعی برای امور آب و یا آئین‌نامه‌های اجرایی در این رابطه وجود ندارد. وضعیت ایجاد تاسیسات آبی توسط بخش خصوصی با دولتی معین نیست. نرخ آب بها کشاورزی طبق ضوابط مشخص تعیین و وصول نمی‌گردد و قوانین موجود امکان مفید کردن دهقانان به حفظ منابع ملی آب و اصلاح روشهای آبیاری را ممکن نمیسازد.

#### ه: مشکلات طرح و برنامه‌ریزی

این قسمت را می‌توان در شناسایی، بهره‌برداری و تأمین و گسترش منابع آب خلاصه کرد که در این زمینه نیز مشکلاتی وجود دارد بعنوان مثال ما هنوز شناخت دقیق و روشنی از منابع آب در دست نداریم، برنامه مشخصی هم برای شناسایی منابع وجود ندارد و کادر فنی لازم نیز جهت اجرای برنامه‌های شناسایی موجود نیست.

#### پیشنهادهای

##### ۱- در زمینه تشکیلاتی

ما در ایران با محدودیت منابع آب مواجه بوده و لازمست این منابع را با برنامه‌ریزی صحیح مورد استفاده قرار دهیم. برای اجرای این امر باید کلیه امور مربوط به مالکیت عمومی آب و مسئولیت حفظ و کنترل و برنامه‌ریزی بهره‌برداری آن در یک سازمان متمرکز شود تا ضمن انجام مسئولیتهای حفظ و کنترل بهره‌برداری از آب مورد نیاز بخشهای مختلف کشاورزی، نیرو، صنایع و معادن، مسکن و شهرسازی را با توجه به سیاستها و

خطمشی دولت تأمین و برنامه‌ریزی نماید، و این امر به شرطی می‌تواند بطور مؤثر که کلیه بخشهای مصرف‌کننده در اتخاذ سیاستها و برنامه‌ریزی سهم و دخیل باشند.

##### ۲- در زمینه قانونی

ضرورت تهیه و تدوین جامع آب مملکت بنحوی که متضمن توزیع عادلانه آب کشور باشد بشدت احساس می‌شود، بعلاوه در این قانون باید مسائلی از قبیل سهم کردن زارعین هر منطقه در امر تقسیم آب از طریق شوراهای روستائی و نیز جلوگیری از فعالیتهایی که به طریقی منجر به هدر رفتن فیزیکی یا کاهش

**\* در پی اصلاحات ارضی شاهانه و حذف افراد ونهادهایی که کار آبیاری را در گذشته بعهده داشتند، تاسیسات آبیاری متروک ماند. قناتهای لایروبی نشد، به شبکه‌های آبیاری رسیدگی نگردید و.... در نتیجه به مرور زمان این سیستمها فرسوده شده واز بسین رفتند.**

**\* این یک واقعیت است که ما در زمینه اجرای پروژه‌های سدهای مخزنی بزرگ (طرحهای بلندمدت) خود کفا نبوده و نه تنها اجرای این پروژه‌ها در حال حاضر خارج از محدوده تخصص ماست بلکه کار حفاظت و لایروبی آنها نیز امری است که ما در آن ضعیف و بناچار وابسته‌ایم.**

کیفیت آنها در نظر گرفته شود. مسئله دیگر اصلاح و احیاناً حذف برخی مقررات اداری و مالی فعلی است که عمدتاً در جهت روشهای بوروکراسی عمل کرده و مشکلات عدیده‌ای را از نظر اجرای برنامه‌های مورد نیاز مملکت بوجود می‌آوردند.

##### ۳- در زمینه اعتباری

در تخصیص اعتبارات آب کشور تأکید و اولویت باید برای مصارف کشاورزی و تولیدی باشد. میزان اعتبارات بخش آب کشاورزی در بودجه مملکت بخصوص قسمت مربوط به وزارتخانه‌های کشاورزی و جهاد باید افزایش یابد. همچنین اعتباراتی که در اختیار ارگانهای مختلف در این رابطه قرار می‌گیرد باید بصورت غالب صرف اجرای پروژه‌های آبی کم‌خرج و پراکنده در سطح کشور شود.

##### ۴- در زمینه برنامه‌ریزی

برای رفع اشکالات ناشی از برنامه‌ریزی می‌توان اقدامات زیر را انجام داد:

۱- ایجاد گروههای منطقه‌ای مستشکل از متخصصین مسائل آب کشاورزی بمنظور شناخت منابع آب، بررسی شرایط و برنامه‌ریزی مداوم جهت افزایش بهره‌وری صحیح از منابع آب کشور.

۲- هماهنگ نمودن برنامه‌های تأمین آب کشاورزی با برنامه‌ریزی در سایر بخشهای کشور.

۳- دادن اولویت به برنامه‌های تحقیقاتی در رابطه با تعیین نیاز نباتات عمده کشور، روشهای آبیاری، امکان صرفه‌جویی در آب، افزایش تولید در ازاء هر واحد حجم آب، انتخاب الگوی کشت مناسب برای هر منطقه و مسائل مربوط به اصلاح نباتات در جهت تهیه اقلام مقاوم به خشکی و کم‌آبی.

۴- شناسایی کامل منابع آب کشور از طریق گسترش ایستگاههای اندازه‌گیری بارندگی و مراکز تحقیقاتی دیگر در این زمینه.

##### ۶- در زمینه آموزش

۱- تشکیل دوره‌های آموزشی کوتاه مدت جهت تربیت تکنسینهای آبیاری و مروجین کشاورزی در امر مصرف آب توسط سازمانهای ذیربط.

۲- ایجاد مزارع نمونه در نقاط مختلف کشور بمنظور آموزش و راه‌نمائی زارعین در زمینه مسائل مربوط به استفاده صحیح از آب و خاک.

۳- تهیه و اجرای برنامه‌های آموزشی و تبلیغی برای زارعین بطور گسترده در سراسر کشور و با استفاده از رسانه‌های گروهی.

۴- تطبیق برنامه‌های تدریس دانشگاهی با نیازهای تخصصی مملکت در مسائل آب و تهیه برنامه.

۵- تبادل اطلاعات و کارآموز با کشورهای که در زمینه آب و آبیاری دارای تجارب پیشرفته می‌باشند.

۶- برنامه‌ریزی برای گسترش صنایع مربوط به آب و آبرسانی، از قبیل ساختن موتور پمپ، وسایل مختلف آبیاری، دستگاههای حفاری و....

۷- تسریع در اجرای برنامه‌هایی که نیاز به آنها مشخص و معلوم می‌باشد و انجام آنها عمدتاً در گرو محدودیت اعتباری و کمبود پرسنل متخصص می‌باشد مانند احداث شبکه‌های ۳ و ۴ اراضی زیر سدها، پوشش کانالهای آبرسانی سنتی، احداث سد و بندهای خاکی کم‌خرج در نقاط مناسب و تسطیح اراضی.

##### ۵- در زمینه پژوهشی

۱- تشکیل سازمانهای تحقیقاتی منسجم و گسترده برای اجرای آزمایشاتی که دقیقاً در ارتباط با حل مشکلات شناخته شده مربوط به منابع آب و نحوه بهره‌برداری از آنها در هر ناحیه باشد.